

بررسی و تحلیل هجویات ابن رومی با تکیه بر مکانیسم‌های

دفاعی-روانی فروید

نوع مقاله: پژوهشی

جواد عابدی^۱، حسن مجیدی^{۲*}، محمد غفوری فر^۳

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده علوم انسانی، ایران، سبزوار.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ایران، سبزوار.

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر بجنورد، دانشکده علوم انسانی، ایران، بجنورد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

چکیده

نقد روانشناسی متون ادبی و آثار هنری برای شناخت شخصیت صاحب اثر، یکی از برجسته‌ترین روش‌های نقدی است. این نوع از نقد ادبی می‌کوشد تا با تبیین جریان باطنی و احوال درونی شاعر، تأثیری که محیط، جامعه و سنن در تکوین این جریان‌ها داشته را مطالعه کند. فروید به‌عنوان بنیان‌گذار روانکاوی توانست با تحلیل روانی مؤلف از خلال آثارش، قرائت تازه‌ای از متون ادبی و آثار هنری ارائه دهد. او بیان داشت روان آدمی ابزارهایی را برای رهایی از فشار روانی و دفاع از خود در اختیار دارد که به آن مکانیسم‌های دفاعی گفته می‌شود. بررسی چنین مکانیسم‌هایی سبب می‌شود دلایل برخی رفتارها و گفتارهای به ظاهر عادی، آشکار گردد. اشعار شاعران یکی از انواع ادبی است که بازتاب شخصیت آفریننده اثر در آن نمود می‌یابد. ابن رومی از هجویه‌سرایان برجسته عصر عباسی است که زندگی روی خوشی به وی نشان نداد و در وجود خود حقارت‌های جسمانی و اجتماعی را احساس می‌کرد، در نتیجه هجویات وی عرصه جولان عقده‌های روانی او گشت. این پژوهش در تلاش است تا با روش توصیفی-تحلیلی، با رویکرد نقد روانشناسی به تبیین شخصیت ابن رومی از رهگذر هجویاتش در چارچوب نظریه مکانیسم‌های دفاعی فروید بپردازد و تعارض درونی شخصیت او را تبیین و تأثیرات آن بر زندگی و جهان بیرون او را نشان دهد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد ابن رومی برای رهایی و یا کاهش فشار روانی ناشی از شکست و ناکامی و کشمکش روانی و عاطفی از مکانیسم‌های دفاعی چون: همانندسازی با پرخاشگری، جابجاسازی در وصف طبیعت، بازگشت به دوران جوانی، جبران و دلیل تراشی بهره گرفته است.

کلیدواژه‌ها: نقد روانشناسی، فروید، مکانیسم‌های دفاعی - روانی، هجویات ابن رومی.

١- مقدمه

١-١- بیان مسأله

در میان روش‌های گوناگون بررسی و نقد آثار ادبی که از ابتدای قرن بیستم شکل گرفت، نقد روانکاوانه آثار هنری و تحلیل متون ادبی از منظر روان‌شناسی از ویژگی خاصی برخوردار است؛ بگونه‌ای که بسیاری از روانشناسان برجسته معاصر، نظریه‌های روان‌شناختی خود را بر پایه آثار ادبی ارائه نموده‌اند.

نقد روانشناسی در ادبیات به معنای کوشش برای کشف مسائل روان‌شناسی از خلال متون ادبی است؛ به عبارت دیگر این نوع از نقد می‌کوشد با تکیه بر اصول و مبانی روانشناسی، محرک‌ها و هیجانات روحی و عوامل مؤثر بر آفرینش یک اثر ادبی را با استفاده از خود آثار و از سویی به کمک بیوگرافی شاعر یا نویسنده بازشناسد و جریان باطنی و احوال درونی شاعر را بیان کند و از این راه تأثیری که محیط، جامعه و سنن در تکوین این جریان‌ها داشته را مطالعه کند.

روانشناسی می‌تواند اثبات کند که تصویرها و نمادها در اثر ادبی، تا چه حد از یک منبع روان‌شناختی عمیق برخوردار هستند و در نتیجه به روشنی مفهوم واقعی از شخصیت نویسنده را از خلال آثارش ارائه می‌دهد.

در پی اوج‌گیری پژوهش‌های روانشناسان به ویژه فروید در اوایل قرن بیستم، نظریه‌های او درباره ضمیر ناخودآگاه و روش روانکاوی در حوزه نقد روان‌شناسی راه یافت و یکی از مکتب‌های تفسیری پر سر و صدای قرن بیستم گردید.

شناخته شده‌ترین دسته‌بندی فروید از ساختار و عملکرد روان آدمی، الگوی نهاد، خود و فراخود است (گرین و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۲۵) که به دنبال آن مبحث مکانیسم‌های دفاعی را مطرح می‌کند.

یکی از آثار مهم ادبیات عربی در دوره عباسی اشعار ابن‌رومی به‌ویژه هجویات وی است که قابلیت تحلیل و بررسی از منظر نقد روان‌شناختی را دارد؛ اشعار وی بازتاب و انعکاس راستین شخصیت اوست و می‌توان هجویات او را قلمروی عقده‌های روانی وی دانست. از این‌رو،

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با روش توصیفی - تحلیلی، هجویات ابن‌رومی و شخصیت وی را از رهگذر نظریه روان‌شناختی و مکانیسم‌های دفاع روانی بازخوانی و تحلیل کند.

۱-۲- سوال‌های پژوهش

۱- تعارض میان سطوح سه گانه (نهاد، خود، فراخود) ابن‌رومی چه تأثیری بر شخصیت و زندگی ایشان داشته است؟

۲- مکانیسم‌های دفاعی - روانی که ابن‌رومی برای رهایی از فشارهای روانی ناشی از شکست و ناکامی بکار گرفته، کدام هستند؟

۱-۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره ابن‌رومی و اشعارش صورت گرفته است؛ از آن‌جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- محمدرضا صرفی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «ابن رومی و انوری در عرصه هجویه سرایی» به بررسی مضامین مشترک هجو در شعر دو شاعر پرداخته و شواهدی که دلالت بر تشابه این مضمون در شعر دو شاعر دارد را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

- روح الله صفری (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «هجاء و علل هجویه سرایی نزد ابن رومی» به بررسی نمونه‌هایی از هجویه سرایی ابن رومی پرداخته و سرانجام از عواملی که وی از آن رنج می‌برده و احتمالاً منشأ بسیاری از هجوهای اوست، سخن می‌گوید.

- محمد امین مقدسی، سیمین غلامی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نظریه‌های عقاد درباره اشعار ابن رومی» به بررسی و تحلیل آراء عقاد می‌پردازد. در این پژوهش دیدگاه‌های نویسندگان و ناقدان دیگر برای تایید یا رد نظریه‌های وی آورده شده و در پایان هر مطلب نیز، نظر برتر و نتیجه منطقی به همراه استدلال، بیان شده است.

- سهیلا عیدانی و جواد سعدون زاده (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب فرهنگ و ادب ایرانی در شعر ابن رومی»، ضمن اثبات تأثیرپذیری ابن رومی از فرهنگ و ادب ایرانی، بیان می‌کند که علاقه قلبی وی به سرزمین ایران، او را از توجه به مبادی اسلامی باز نداشته و معرفی

فرهنگ سرزمین مادری خویش، ایران، به دیگر ادیبان و مخاطبان عرب، از جمله دغدغه‌های فکری این شاعر شیعی بوده است.

آثار فوق‌گویی این مطلب است که هر یک از آن‌ها بنا به اهتمام پدیدآورندگان به جنبه‌ای خاص از زندگی و اشعار ابن رومی اختصاص یافته است. نوع تحلیل و بررسی ما در این مجال نیز بیان‌کننده زاویه و دیدی خاص و متمایز است. در این پژوهش کوشش شده تا با بهره‌گیری از نظریه روانشناسی فرید و مکانیسم‌های دفاعی-روانی که در محدوده رویکرد روانشناسی شخصیت جای می‌گیرد، تحلیلی نو و تازه از شخصیت و شعر ابن‌رومی ارائه گردد.

۲- تعریف مکانیسم‌های دفاعی از منظر فروید

مکانیسم دفاعی (defense mechanisms) شیوه‌هایی هستند که افراد، به‌طور ناخودآگاه در برابر رویدادهای اضطراب‌آور به کار می‌برند تا از خود در برابر آسیب‌های روانی و از دست دادن عزت نفس (self esteem) محافظت کنند. از دیدگاه فروید، روان یا شخصیت انسان به مثابه تکه یخ قطبی بسیار بزرگی است که تنها قسمت کوچکی از آن آشکار است؛ این قسمت سطح آگاه را تشکیل می‌دهد. بخش عمده دیگر آن، زیر آب است که ناخودآگاه را تشکیل می‌دهد (شولتز، ۱۳۸۴: ۵۹). بخش ناخودآگاه، جهان گسترده‌ای از خواسته‌ها، تمایلات، انگیزه‌ها و عقاید سرکوب شده است که انسان از آن آگاهی ندارد. در حقیقت تعیین‌کننده اصلی رفتارهای بشر، همین عوامل ناخودآگاه او هستند که از سه قسمت عمده تشکیل می‌شوند: نهاد (id)، خود (ego)، فراخود (superego). از نظر فروید، رفتار یا روان یا شخصیت انسان همیشه محصول ارتباط متقابل متعامل و یا متعارض این سه عامل است. (شاملو، ۱۳۹۰: ۳۱)

به اعتقاد او، «نهاد» به عنوان سیستم آغازین و دیرینه شخصیت است و دو بخش دیگر شخصیت «من» و «فرامن» از «نهاد» ناشی می‌شوند؛ بنابراین «نهاد» جایگاه و مخزن گزینه‌هاست. (همان: ۵۹) و منبع تمام پرخاشگری‌ها و امیال (گرین و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۳۱) و بدنبال سیراب کردن غرایز لذت‌جویانه، بدون هیچ‌گونه توجه به قراردادهای اجتماعی و قانونی است. (کریمی، ۱۳۸۵: ۶۹). با توجه به توان‌های خطرناک نهاد، لازم است که عوامل روانی دیگری

برای حفظ فرد و جامعه وارد عمل شوند و اولین عامل از این عوامل تنظیم کننده که فرد را محافظت می‌کند، «خود» است. (همان: ۱۳۲)

«خود» وظیفه محدودسازی و کنترل نهاد را برعهده دارد و برخلاف نهاد، به واقعیت واقف بوده و از «اصل واقعیت» پیروی می‌کند (فروید، ۱۹۸۲: ۱۶). «خود» جنبه روانی شخصیت است و برای کاهش تنیدگی‌ها و ناراحتی‌ها و کسب خوشی از عقل کمک می‌طلبد و به راهنمایی خواهش‌های نهاد می‌پردازد. (شالچیان، ۱۳۷۳: ۲۲۴) وظیفه دیگر «خود» تعادل برقرار کردن میان نهاد و فراخود است. از آنجایی که نهاد و فراخود پیوسته در تعارض و کشمکش بسر می‌برند، «خود» پیوسته مجبور است با قوه تفکر، میان آن دو میانجیگری و مصالحه ایجاد کند. (فروید، ۱۹۸۲: ۱۶-۱۷)

خود افزون بر این دو دیکتاتور (نهاد و فراخود) باید به ارباب سومی هم خدمت کند و آن دنیای بیرونی است. بنابراین، «خود» مرتباً سعی می‌کند بین درخواست‌های کورکورانه و نامعقول «نهاد» و «فرامن» با درخواست‌های معقول دنیای بیرونی سازش برقرار کند. زمانی که «من» از سه طرف، توسط نیروهای متفاوت و متخاصم محاصره می‌شود، به صورت قابل پیش‌بینی واکنش نشان می‌دهد و مضطرب می‌شود و از آن پس مجبور می‌شود برای دفاع از خودش در برابر این اضطراب، از سرکوبی و سایر مکانیسم‌های دفاعی استفاده کند. (فیست، ۱۳۷۸: ۴۲) «من» ارزش‌گذاری نمی‌کند؛ بلکه فقط نقش‌های اجتماعی را ایفا می‌کند تا از تنبیه در امان باشد و در این موقع است که سومین ساختار شخصیتی؛ یعنی «فرامن» در صحنه ظاهر می‌شود. (همان: ۴۳)

«فراخود»، الگوی فرامن، عامل نظم‌دهنده بخشی از وجود بشر است که گرایش‌های لذت طلبانه آدمی را از قبیل شهوات جنسی، غریزه و اشتیاق‌های نهاد را سرکوب می‌کند. بخشی است که به باید‌ها و نبایدها و ارزش‌ها بها می‌دهد و بر اثر تربیت، قوانین اجتماعی و آموخته‌های اخلاقی و مذهبی شکل می‌گیرد. (ساعت‌چی، ۱۳۷۹: ۹)

فراخود نه برای لذت تلاش می‌کند و نه برای دستیابی به هدف‌های واقع‌گرایانه (همچون خود)، بلکه تلاش صرفاً در جهت کمال اخلاقی است. (شولتز، ۱۳۸۴: ۶۱) بدین ترتیب با اصل لذت «نهاد» و اصل واقعیت «من» مغایرت دارد. «فرامن» از «من» به وجود می‌آید و مانند «من» از خودش انرژی ندارد. با این حال، «فرامن» از یک نظر با «من» تفاوت دارد و آن این است که با دنیای بیرون هیچ تماسی ندارد و به صورت نامعقول تقاضای کمال دارد.

بر اساس آنچه بیان شد، هنگامی که روان شخص در برابر واقعیت دنیای بیرون، تحت فشار اختلافات نهاد و فراخود قرار می‌گیرد، دچار تنیدگی روانی می‌شود، برای رهایی از این فشار روانی نا آگاهانه به استفاده از ابزارهای دفاعی متوسل می‌شود که به آن مکانیسم دفاعی گویند. «مکانیسم‌های دفاعی خود واقعیت را در سطح ناهوشیار انکار یا تحریف می‌کند. استفاده آگاهانه از مکانیسم‌های دفاعی می‌تواند در کاهش فشارهای روانی ارزشمند باشد، ولی استفاده زیاد، آسیب‌زا خواهد بود و باعث می‌شود شخص از مواجه شدن با واقعیت طفره رود. (شارف، ۱۳۸۱: ۶۰)

از دیدگاه فروید این مکانیسم‌ها انواع مختلفی دارد؛ از جمله مکانیسم جبران، دلیل‌تراشی، بازگشت، جابجایی، ... (سیاسی، ۱۳۵۶: ۹۵)

اکنون با توجه به روشن شدن مفهوم رفتارهای دفاعی از منظر فروید، این رفتارها در هجویات ابن رومی بررسی خواهد شد.

۳- زندگی و شخصیت ابن رومی

ابوالحسن علی بن عباس، شاعر بزرگ عرب، نیایش جورجیس یا جریح، مردی رومی بود و به این سبب شاعر به ابن‌رومی لقب یافت. (ابن‌خلکان، ۱۳۶۴، ۲: ۳۵۸)

خردسالی ابن‌رومی در دوره‌ای گذشت که نتوانست پدر و مادرش را به خوبی درک کند. (الحر، ۱۴۱۲: ۶۰) ابن‌رومی پس از مرگ مادر ازدواج کرد؛ اما حوادث روزگار یکی پس از دیگری بر وی و خانواده‌اش فرود می‌آید و سه فرزند کوچکش را به نام‌های هبه‌الله، محمد و دیگری -که اسمی از آن در تاریخ نیامده است- از او می‌گیرد. سپس همسر جوانش را از

دست داد و در میدان بلا و مصیبت کسی جز خودش باقی نماند؛ اما ابن‌رومی برخلاف دیگران بود که در هنگام بلا و مصیبت چاره‌اندیشی می‌کنند. او نمی‌دانست که چگونه باید با این مشکلات مقابله کند، لذا از آن مصائب می‌گریخت (شرف‌الدین، ۱۹۹۶: ۴۲)؛ اما این تمام مسأله نبود او «خُلُقِی تنگ داشت و گرفتار اختلال اعصاب بود؛ نسبت به همه چیز در اطراف خود خشمگین بود، حتی نسبت به کسانی که او را مورد اکرام قرار می‌دادند و در محافل خود می‌پذیرفتند و از اموال خود بهره‌مندش می‌کردند؛ ولی او آنها را هجو می‌کرد؛ به همین دلیل از او رنجیدند و روی خوش به او نشان ندادند و آینده درخشانی که در انتظارش بود، به آینده‌ای مرارت‌بار و رنج‌آور تبدیل شد که سرشار از محرومیت بود.» (شوقی، ۱۹۶۵: ۲۰۵)

ابن‌رومی در زندگی اجتماعی نیز خوشبخت‌تر از زندگی فردی و خانوادگی نبود؛ زیرا از هر سو مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته بود. مردم نیز به سبب جسم معیوبش سر به سرش گذارده و وی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند (فاخوری، ۱۳۸۳: ۳۹۳)؛ بنابراین همه این عوامل سبب شکل‌گیری شعر هجوآلود در ذهن و ضمیر او شد.

۴- مکانیسم‌های دفاعی هجاء ابن‌رومی

در میان اغراض مختلف شعری ابن‌رومی، جنبه هجوآلود اشعار شاید مهم‌ترین جنبه‌ای باشد که جلوه‌گری می‌کند. مزاج تند و توانایی فوق‌العاده وی در مشاهده جزئیات و عیوب جسمانی به او استعداد خاص برای نوعی هجو بخشیده بود که می‌توان آن را «هجو طنزآلود» نامید، زیرا اشخاص مورد نظر خود را به شکلی گزنده، شبیه کاریکاتوریست‌ها به بازی می‌گرفت و بر نقاط ضعف آنان تکیه می‌کرد و به بدترین شکل به بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی آن نقاط می‌پرداخت (شوقی، ۱۹۶۵: ۲۱۷)؛ بنابراین ابن‌رومی از مکانیسم‌های دفاعی مختلف در پاسخ به موقعیت‌هایی که امنیت «سیستم خود» را تهدید می‌کند، بهره‌می‌گیرد که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

٤- ١. مکانیزم همانندسازی با پرخاشگر

از نظر فروید، همانندسازی یکی از مکانیزم‌های دفاعی است که جهت سازگاری بهتر فرد به کار می‌رود. در همانندسازی، فرد ناخودآگاه رفتار دیگری را الگو قرار داده و از آن تقلید می‌کند. همانندسازی غالباً با مکانیزم درون‌فکنی همراه است، بدین معنی که شخص خود را به فرد یا گروهی همانند می‌سازد که رفتار و اندیشه‌های او یا آن‌ها را پذیرفته و درون‌فکنی کرده است. (فروید، ۱۳۹۲: ۶۱) اما آن نوع از همانندسازی که در مورد هجاء ابن‌رومی اهمیت دارد، همانندسازی با دشمن تهدید کننده یا پرخاشگر می‌باشد این نوع همانندسازی بیانگر این است که «وقتی خود، دچار اضطراب می‌گردد فرد برای غلبه بر این اضطراب آن موقعیت اضطراب-آور را درون‌فکنی کرده و آن تجربه اضطراب‌آوری را که به تازگی متحمل گردیده است شبیه‌سازی می‌کند.» (همان، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

ابن‌رومی برای مبارزه با پرخاشگران که جامعه و مردمان آن هستند به هجاء پناه می‌برد. در ابیات زیر ابن‌رومی به این نکته اشاره دارد که هجویاتش جنبه دفاعی دارد نه تهاجمی.

أَلَيْتُ لَا أَهْجُو طَوْأَ لَ الدَّهْرِ إِلَّا مَن هَجَانِي

(ابن‌الرومی، ۱۴۱۵، ۳: ۴۳۷)

«سوگند خوردم در تمام زندگی کسی را هجو نکنم، مگر آنکه مرا هجو کند.»

بنابراین می‌توان این اصل را که هجاء ابن‌رومی سلاحی برای دفاع و نه برای حمله است، زمینه‌ساز مکانیزم همانندسازی با پرخاشگر قرار داد؛ زیرا در توضیح این مکانیزم گفته شد که هرگاه «خود» شخصیت فرد از سوی فرد پرخاشگر مورد اضطراب قرار گیرد در اینجا فرد برای کاهش اضطراب خود از مکانیزم دفاعی - روانی همانندسازی با پرخاشگر بهره می‌جوید و برای دفاع از «خود» دست به پرخاشگری که همان هجاء اوست می‌زند و برای کاهش اضطراب ناشی از پرخاشگری، خود را با پرخاشگر همانند می‌کند.

در ادامه به نمونه‌هایی از همانندسازی با پرخاشگر در هجویات ابن‌رومی اشاره می‌کنیم:

وَجْهُكَ يَا عَمْرُو فِيهِ طُولٌ وَ فِي وُجُوهِ الْكِلَابِ طُولٌ
 وَ الْكَلْبُ وَافٍ وَ فِيكَ عَدْرٌ فَفِيكَ عَنْ قَدْرِهِ سُفُولٌ
 وَ قَدْ يُجَامِي عَنْ الْمُوَاشِي وَ مَا تُجَامِي وَ لَا تَصُولُ
 وَ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ سُوءٍ فَصَنَّتْهُمْ قِصَّةٌ تَطُولُ
 وَجُوهُهُمْ لِلْوَزِيِّ عِظَاتٌ لَكِنَّ إِفْقَاءَهُمْ طَبُولُ

(ابن‌الرومی، ۱۳۲۴: ۱۵)

ترجمه: «ای عمرو! صورتت دراز است؛ صورت سگ‌ها نیز دراز است. / سگ وفادار است و تو خائن؛ بنابراین تو از سگ کمتری. / سگ گاهی از چارپایان محافظت می‌کند؛ اما تو نه حمایت می‌کنی و نه حمله می‌بری. / تو از خاندان بدی هستی که قصه آنان دراز است. / چهره آنان عبرت مردمات است و پس گردنشان همچون طبل.»

چرا ابن‌رومی سگ را بهتر از عمرو می‌داند؟ در جواب باید بگوییم که عمرو به ابن‌رومی خیانت کرد و در وعده‌های خود نسبت به وی جفا کرد و او را تحقیر نمود. ابن‌رومی برای اینکه اوج ناراحتی و عصبانیت خودش را نسبت به عمرو بروز دهد او را به سگ تشبیه می‌کند و در این امر هیچ ملاحظه‌ای روانمی‌دارد. (الحاوی، ۱۹۶۸: ۱۱۲) در این هجاء ابن‌رومی از مکانیزم همانندسازی با پرخاشگر استفاده می‌کند و برای اینکه کمی از اضطراب و ترس «خود» بکاهد، خودش را شبیه به شخص پرخاشگر - که عمرو باشد - می‌کند، و متقابلاً دست به پرخاشگری - که همان هجو «عمرو» باشد - می‌زند. این نوع مکانیزم دفاعی، شباهت زیادی به سبک نقیضه‌سرایی دوره اموی دارد که در آن شاعر با استفاده از ساختارهای ادبی متنوع و با لحنی گزنده، صریح و توهین‌آمیز تلاش می‌کرد هویت خود را برجسته نماید و هویت رقیب را به حاشیه براند (اعظمی و عرب یوسف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). یکی دیگر از همانندسازی با پرخاشگری را می‌توان در هجاء اجتماعی ابن‌رومی مشاهده کرد:

عجب الناس لابي صقر اذ وُلِّيَ بعد البطالة الديوانا
 و لعمري ما ذاك أعجب من أن كان عِلْجاً فصار من شيبانا
 ان للجدِّ كيمياء اذا ما مَسَّ كلباً احاله انساناً
 يفعل الله ما يشاء كما شاء متى شاء كائناً ما كاناً

(ابن‌الرومی، ۱۴۱۵، ۳: ۴۰۲)

ترجمه: «مردم از اباصقر تعجب می‌کنند، وقتی که با بی‌لیاقتی سرپرست دیوان حکومتی شد. / به جانم سوگند از این شگفت‌انگیزتر نیست که او آدم پست و فرومایه و بی‌اصل و نسب بود، ولی جزء قبیله شیبان شد. / بخت و اقبال کیمیایی دارد که اگر به بدن سگ بخورد او را تبدیل به انسان می‌سازد. / و خداوند کاری را که بخواهد انجام می‌دهد همان‌گونه که هر وقت اراده کند چیزی وجود داشته باشد، بوجود بیاید.»

در این ابیات ابن‌رومی با پرخاشگری که جامعه نسبت به وی روا داشت، همانندسازی می‌کند؛ چرا که به گفته عقاد «او هرگز نتوانست با تمام آن توانایی‌ها و لیاقت‌هایی که داشت به موفقیت و پیروزی در جامعه نائل گردد.» (عقاد، ۱۹۵۰: ۱۸۲) و از آنجا که وی جامعه را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ناکامی‌اش بر می‌شمرد شروع به هجو و همانندسازی با آن می‌کند تا بدین وسیله کمی از اضطراب خود بکاهد.

۴-۲. مکانیزم جابه‌جاسازی

فروید در تعریف این رفتار دفاعی، بر این باور است که «اگر موضوعی که تکانه نهاد را ارضا می‌کند، در دسترس نباشد، ممکن است شخص، آن تکانه را با چیز دیگری جابه‌جا کند؛ بنابراین انتقال احساسات، هیجان‌ها و تکانه‌های اضطراب‌زا از یک شخص یا شیء به فرد و یا شیء امن‌تر و قابل پذیرش‌تر را جابه‌جایی گویند که به نوعی تخلیه احساسات فروخورده بر سر اهداف بی‌خطرتر (افراد زیر دست، تحت فرمان، وابسته و یا ضعیف‌تر از شما) است. (فروید، ۱۳۸۳: ۶۰)

وقتی کشش و تکانه نهاد ابن‌رومی که همان لذت از زندگی است به وسیله عوامل مختلف سرکوب گردد اضطراب زیادی به «خود» وارد می‌شود که در این جا ابن‌رومی برای کاهش این اضطراب از مکانیزم جابه‌جاسازی استفاده می‌کند و آن کشش و تکانه «نهاد» را از آن شیء ترسناک و نامطلوب که جامعه و مردمان آن هستند به محیط مطلوبی که اضطراب کمتری دارد جا به جا می‌کند و آن محیط طبیعت بدوی اصیل می‌باشد. ابن‌رومی با این جابه‌جاسازی خود را به آغوش طبیعت روان می‌اندازد. طبیعت دوست داشتنی و بخشنده‌ای که جایگزین انسان‌های به خود مغرور و حيله‌گر می‌شود.

طبیعتی که از جانب ابن‌رومی دوست داشته می‌شود طبیعتی است که در هوایش حوریان آرام گرفته‌اند و عروسان در میان امواجش شنا می‌کنند در مهرجان بهارش دوشیزگان رقصانند و در خنکای نسیمش پریان مشغول نجوا هستند:

إِذَا رَنَّقَتْ شَمْسُ الْأَصِيلِ وَنَفَّضَتْ عَلَى الْأَفْقِ الْغَرْبِيِّ وَرَسًا مُدْعَدًا
وَوَدَّعَتْ الدُّنْيَا لِتَقْضِي نَجْبَهَا وَشَوَّلَ بَاقِي عَمْرَهَا فَتَشْعَشَعَا
وَلَا حَظَّتِ النَّوَارُ وَهِيَ مَرِيضَةٌ وَقَدْ وَضَعَتْ خَدًّا إِلَى الْأَرْضِ أَضْرَعَا
كَمَالٍ لَاحْظَتْ عَوَادَهُ عَيْنٌ مُدْنِفٍ تَوَجَّعَ مِنْ أَوْصَابِهِ مَا تَوَجَّعَا
(ابن‌الرومی، ۱۴۱۵: ۲/۳۳۸)

ترجمه: «خورشید غروبگاهان نورش رو به خاموشی است گویی که بر کرانه‌های افق گردی زعفران رنگ می‌پراکند./ و با دنیا خداحافظی کرد تا زوالش فرا رسد و در پس خود سقفی را به جای گذاشت که نوری کم داشت./ و خورشید کم فروغ در حال غروب به گل‌های سفید‌نگاهی کرد و بر روی زمین گونه‌های سرخی را قرار داد./ به سان نگاه کردن انسان در حال مرگ که به عیادت‌کنندگان خود چشم می‌دوزد و از دردهای خود دیگران را به درد می‌آورد.»
علاوه‌بر این ابن‌رومی در طبیعت مجلس لهو و لعب بر پا می‌کند جایی که در آن کنیزکان آواز خوان به غنا مشغولند و جام‌های شراب دست به دست می‌شود و همه این‌ها در مکانی صورت می‌گیرد که بهار به آن زینت داده و برایش لباس‌های زیبا و رنگین دوخته است:

وَسَطَ رِيَاضٍ دِنِي الرَّيِّعِ لَهَا فَحَاكَ اِبْرَادَهَا وَ نَشَّرَهَا
وَجَادَهَا مِنْ سَحَابِهِ وَ دِيمٍ وَ رَيَدَ اَنْوَارَهَا وَ عَصْفَرَهَا
ثُمَّ اِثْتَنِيْنَا اِلَى الشَّرَابِ وَ قَدْ جَاءَ بِالْاَلَةِ فَأَحْضَرَهَا
مِنْ تُحْفٍ مَا تُعِبُّ فَائِدَةً لَمْ تَكْ فِي وَهْمِنَا وَ لَمْ نَرَهَا
وَقِينَةً اِنْ مُنِحَتْ رُؤْيَتَهَا رَضِيَتْ مَسْمُوعَهَا وَ مَنْظَرَهَا
(همان: ۱۴۰)

ترجمه: «بهار به باغ و بوستان نزدیک شد و برایش لباس دوخت و بوی خوشش را انتشار داد.» و از ابرهای باران زا سیرایش کرد و گل‌هایش را سرخ گون و زرگون ساخت. / سپس به شرابی کامل و ناب روی آوردیم که آن را با ابزار خود مهیا ساخت. / از چیزهایی که ندیده بودیم و نه در وهم ما می‌آمد ساخته بودند. / و آوازخوان‌هایی که اگر آن‌ها را ببینی فقط از دیدن صورت و شنیدن صدایشان خشنود می‌گرددی.»

در پایان می‌توان گفت که طبیعت در اشعار ابن‌رومی مکانی است برای یافتن و رسیدن به خواسته‌هایی که وی هرگز نمی‌توانست در جای دیگر به دنبال آن‌ها برود برای همین او با تمام اشتیاق و لذت به سوی طبیعت می‌رود تا شاید بتواند در آن مرهمی بیابد که با آن دردها و زخم‌های روحی و روانی خود را التیام بخشد.

٤-٣. مکانیسم بازگشت (بازگشت به دوران جوانی)

بازگشت، یکی دیگر از مکانیسم‌هایی است که روان آدمی برای دفاع آن را به کار می‌بندد. «هنگامی که خواسته‌ها و تمایلات فرد قابلیت سازگاری با امکانات موجود را نداشته باشد شخص در ارضای این تمایلات با شکست روبرو شود، گرفتار ناکامی می‌شود که سبب بازگشت فرد به عادات و رفتارهای ابتدایی خود می‌گردد.» (فروید، ۱۳۹۲: ۹۶) به عبارت دیگر زمانی که فرد در ارضای تمایلات درونی خود با شکست مواجه و دچار ناکامی شود، از واقعیت‌های تلخ قبلی عقب نشینی می‌کند و به الگوهای رفتاری قبلی رشد، یعنی دورانی که لذت بخشی‌تر و بدون ناکامی و اضطراب بوده، برمی‌گردد. (شولتز، ۱۳۸۴: ۶۷)

ابن‌رومی با استفاده از مکانیسم بازگشت، در شعر خود از دوران جوانی یاد می‌کند و این تصور را که جوانی دوره‌ای از عمر او بوده که در آن لذت‌جویی و کامیابی می‌کرده است در سر ندارد بلکه می‌خواهد به درون و عمق جوانی نفوذ کند چیزی که نمی‌توان آن را با گذشت زمان سنجید. او دنیای جوانی را با همان جلا و طراوت خودش می‌خواهد؛ زیرا که بازگشت به

دوران خوش و خرم گذشته، دردهایش را التیام می‌بخشد. برای نمونه از ایام جوانی خود این گونه یاد می‌کند:

يُدكروني الشبابَ صدىً طويلٌ الي برد الثنايا و الرضاب
يُدكروني الشبابَ سهام حترف يُصِبْنَ مقاتلي دون الإهاب
يُدكروني الشبابَ رياضُ حزنٍ تَرَمَّ بينها زرقُ الذباب
يُدكروني الشبابَ جنات عدن علي جنات آنهار عذاب

(ابن‌الرومی، ۱۴۱۵، ۱: ۱۶۹)

ترجمه: «عطش شدید من به بوسیدن دهان محبوب مرا به یاد جوانیم می‌اندازد./ مرا به یاد جوانیم می‌اندازد تیرهای کشنده‌ای که از سوی چشمان معشوقه به سویم پرتاب می‌گردد و بی‌آنکه پوستم را مجروح کند وارد قلبم می‌شود./ مرا به یاد جوانیم می‌اندازد آن باغ‌ها و روضه‌هایی که در آن زنبورها و مگس‌ها آواز می‌خوانند./ مرا به یاد جوانیم می‌اندازد آن باغ‌های سبز و خرم در کنار جویبارهای گوارا.»

در این اشعار ابن‌رومی به روزهای خوش و فرح بخش جوانیش باز می‌گردد او در این ابیات تمام خاطرات شیرین خود را یادآورد شده و بیان می‌دارد که تمام روزهای خوب زندگی محصول دوران جوانی بوده است. وی در این اشعار از مکانیزم دفاعی- روانی بازگشت یا واپس‌روی استفاده می‌کند. وقتی وی نمی‌تواند با مشکل و ناکامی که می‌توان از آن به عنوان پیری یاد کرد کنار بیاید و نیز قادر به مواجهه با احساس‌ها و هیجانات درونی خود نباشد سبب می‌گردد که وی با استفاده از مکانیزم بازگشت به منظور اجتناب از اضطراب تکاملی را که پیدا کرده از دست بدهد و به سطح پایین‌تری از دوران زندگی خود که دوران جوانی است برگردد تا مقداری از آن اضطرابی که متحمل گردیده بکاهد.

٤-٤. مکانیسم جبران

فروید در مورد جبران می‌گوید که جبران یا تلافی، وسیله‌ای است که روان شخص برای پوشش گذاشتن کمبودها و مشکلاتش به‌کار می‌بندد و از این طریق در وجود فرد، تعادلی برقرار می‌سازد که پیش از جبران وجود نداشته و یا از بین رفته است. (فروید، ۱۳۹۲: ۳۲)

ابن‌رومی از انواع مکانیسم دفاعی جبران بهره می‌گیرد، به عنوان نمونه بعد از آن همه احساس حقارت برای اینکه آنها را جبران کند و عیوب خویش را پنهان سازد، به تحقیر دیگران آن هم با هجوهای گزنده می‌پردازد.

بارزترین نمونه در این خصوص، هجاهایی است که ابن‌رومی در مورد شعراء عصر خویش به‌ویژه بحتری سروده است. او در این هجاء از طریق تحقیر دیگران، احساس حقارت جسمانی و اجتماعی خود را جبران می‌کند. به عنوان نمونه:

قَدْ قُلْتُ إِذْ نَحَلُّهُ الشَّعْرَ حَاشَ لَهُ	إِنَّ الثُّرُوكَ بِهِ أَوْلَى مِنَ الْحَبِّ
الْبُحْتَرِيِّ ذُنُوبَ الْوَجْهِ نَعْرِفُهُ	وَ مَا رَأَيْنَا ذُنُوبَ الْوَجْهِ ذَا أَدَبٍ
إِذْ قَالَ: إِنِّي قَرِيعُ النَّاسِ كُلِّهِمْ	فِي الشَّعْرِ وَ هُوَ سَقِيمُ الشَّعْرِ وَالنَّسَبِ
فُجْحاً لِأَشْيَاءٍ يَأْتِي الْبُحْتَرِي بِهَا	مِنْ شِعْرِهِ الْعَثِّ بَعْدَ الْكَدِّ التَّعَبِ

(ابن‌رومی، ۱۴۱۵، ۱: ۱۷۹-۱۸۰)

ترجمه: «وقتی که به بحتری شعر سرایی را نسبت دادند با خودم گفتم که محال است که وی بتواند شعر بگوید./ ما بحتری را با همان ریش بلندش می‌شناسیم و تا کنون انسانی ریش بلند با ادب و محترمی ندیده‌ایم./ بحتری می‌گوید که من در شاعری بر همه مردم چیره گشته‌ام، درحالی که نه شعر درستی دارد و نه اصل و نسبی./ زشت و بیهوده باد؛ آن شعرهای ضعیفی که بحتری بعد از تلاش و خستگی فراوان سروده است.»

ابن‌رومی در این هجا کینه‌ای را که از بحتری در دل دارد، نمی‌تواند پنهان سازد. او در این شعر از مکانیسم تحقیر استفاده می‌کند تا شکست و عیب‌های خود را جبران کند. همان

شکست اجتماعی که بحتری از آن رو که نزد مردم و دربار منزلت داشت، دچارش نشد؛ اما ابن‌رومی شد و همان عیب‌ها و نقص‌های بدنی که بحتری نداشت؛ اما ابن‌رومی داشت.

۴-۵. مکانیسم دلیل‌تراشی

اشخاص مضطرب و نگران در مقابل وجدان خود و دیگران و برای تسکین تمایلات سرکوب شده، ناکامی‌ها و کمبودهای رنج‌آور خویش، یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌های دفاعی یعنی توجیه (دلیل‌تراشی) را به کار می‌بندند و برای توجیه آن دلایلی را عرضه می‌دارند تا خود را قانع سازند. (فروید، ۱۳۹۲: ۶۹) این گونه افراد دلایل خوبی می‌تراشند تا «خود» جریحه‌دار شده را قانع کنند. دلیل‌تراشی به توجیه کردن رفتارهای خاصی کمک نموده و ضربه مرتبط با نوامیدی را ملایم می‌کند. (کری، ۱۳۸۵: ۶۷)

ابن‌رومی برای اینکه «خود» جریحه‌دارش را قانع کند و از ذات خود در برابر واخوردگی‌ها و عقب ماندگی‌هایش محافظت کند، در بعضی از اشعارش، مکانیسم دفاعی - روانی دلیل‌تراشی به کار برده است. مانند:

شَابَ رَأْسِي وَ لَات حِينَ مَشِيِي وَ عَجِيبُ الزَّمَانِ غَيْرَ عَجِيبِي
قَدْ يَشِيبُ الْفَتَى وَ لَيْسَ عَجِيبَا ان يَرِي النُّورَ فِي الْقَصِيبِ الرُّطِيبِ
(ابن‌رومی، ۱۴۱۵، ۱: ۷۹)

ترجمه: «پیر گشتم و حال آنکه وقت پیری‌ام نبود و دیگر شگفتی‌های روزگار شگفت نیست. / گاهی اوقات جوان پیر می‌گردد و این عجیب نیست که شکوفه‌های سفید بر شاخه‌های جوان درخت دیده می‌شوند (کنایه از موهای سفید در عین جوانی)».

ابن‌رومی در این ابیات برای اینکه اضطراب و ترس خود را از پیری زودرسی که دچارش شده بکاهد، از مکانیسم دلیل‌تراشی استفاده می‌کند و در همین رابطه از یک تشبیه زیبا بهره می‌گیرد و می‌گوید در جوانی پیر گشتن و ظاهر شدن موهای سفید عجیب نیست، همان‌طور که شکوفه‌های سفید شاخه‌های نورسته درخت ظاهر می‌گردد.

نمونه دیگری از دلیل تراشی در شعر ابن رومی:

اذ تَنْقُصْتَنِي بِصَعْلَكَةَ الرَّأْسِ سَفَاهًا فَادْمَمْتَ غَيْرَ ذَمِيمٍ
 مَا تَعَدَّيْتَ اِنْ وَصَفْتَ خَشَاشًا لَوْ ذَعِيًّا كَالْحَيَّةِ الْمَهْشُومِ
 وَ قَدِيمًا مَا جَرَّبَ النَّاسُ قَبْلِي ثِقْلَ الْهَامِ فِي الْخَفَافِ الْحَلُومِ
 اعْتَبِرْ اَنَّ اَفْسَلَ الطَّيْرِ رِيَّ الطَّيْرِ وَ فِينَا كَرُوسَاتِ الْبُومِ
 (ابن رومی، ۱۴۱۵، ۳: ۳۲۹)

ترجمه: «آنگاه که از روی بی‌خردی از کوچکی سرم عیب می‌گیری مرا بی‌آنکه شایسته باشم نکوهش کرده‌ای. / البته کار اشتباهی انجام نداده‌ای که مردی چالاک و باهوش را به سان ماری زیرک وصف کنی (چرا که مار نیز سری کوچک دارد و این نشانه زیرکی و باهوشی مار است. / و مردم پیش از من هم این را دریافته بودند که سر بزرگ نشانه سبک مغزی است. / و بدان که بدترین در میان انسان‌ها و خود پرندگان جغد است (چون دارای سر بزرگ می‌باشد)» در این ابیات ابن رومی برای اینکه اضطرابی را که از کوچکی سرش (که نوعی حقارت جسمانی است) ناشی می‌شود بکاهد از مکانیسم دلیل تراشی استفاده می‌کند و می‌گوید: کوچکی سرش از شأن و منزلت او نمی‌کاهد؛ بلکه این صفت نشانه زیرکی و خردمندی است و برای اینکه دلیل تراشی خود را قوی‌تر گرداند از مار که به خاطر داشتن سری کوچک به زیرکی و باهوشی مشهور است، سخن به میان می‌آورد و در ادامه این دلیل تراشی، سر بزرگ را نشانه بی‌خردی و سبک مغزی می‌داند و برای رساندن این مفهوم خود سخن از جغد به میان می‌آورد که به علت داشتن سر بزرگ بدترین پرندگان است.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی ابعاد روانشناختی هجویات ابن رومی مشخص گردید که اشعار او قابل تطبیق با مکانیسم‌های دفاعی - روانی فروید است.

تعارض میان سطوح شخصیتی (نهاد، خود، فراخود) در اشعار ابن رومی نمایان است و بر زندگی ادبی و جهان بیرونی وی تأثیر گذاشته است. ابن رومی دارای حقارت جسمانی و

اجتماعی بود؛ به دیگر معنی موقعیت جسمی و تفاوت وی با دیگران از یک سو و همچنین اتفاقات و مصیبت‌های زندگی و بروز رفتارهای خاص و نیز نگاه منفی افراد و محیط به او، یک تعارض درونی و اضطراب و نگرانی در وجودش پدید آورد؛ بنابراین ابن‌رومی، جامعه را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ناکامی خود برمی‌شمرد و شروع به همانندسازی با جامعه پرخاشگر می‌کند و خود را همانند فرد پرخاشگر به پرخاشگری می‌زند تا بدین وسیله از اضطرابش بکاهد.

ابن‌رومی برای کاهش فشار ناشی از اضطراب و سرکوب احساسات ناخوشایند از مکانیسم‌های دفاعی - روانی همچون همانندسازی با پرخاشگر، جابه‌جایی، بازگشت، جبران و دلیل‌تراشی بهره می‌گیرد. ابن‌رومی جامعه را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ناکامی‌اش بر می‌شمرد. شروع به هجو و همانندسازی با آن می‌کند تا بدین وسیله کمی از اضطراب خود بکاهد. توصیف طبیعت در شعر ابن‌رومی حاصل مکانیسم جابه‌جایی است. وصف ایام جوانی در اشعار ابن‌رومی نیز حاصل مکانیسم واپس‌گرایی یا بازگشت است. ابن‌رومی همچنین برای اینکه بتواند احساس حقارت خود را تلافی کند، از مکانیسم جبران و در کشمکش‌های اجتماعی از مکانیسم دلیل‌تراشی استفاده می‌کند.

منابع

أ) عربى

- ابن الرومي، (١٤١٥)، ديوان، شرح: احمد حسن بسج، ط ١، بيروت، دار الكتب العلمية.
- _____، (١٣٢٤)، ديوان، باشراف كامل كيلاني، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى.
- ابن خلكان، محمد بن ابي بكر، (١٣٦٤)، وفيات الاعيان، باشراف احسان عباس، قم، انتشارات شريف رضى.
- الحاوي، ايليا سليم، (١٩٦٨)، ابن الرومي، فنه ونفسيته من خلال شعره، بيروت، دارالكتب اللبناني.
- الحر، عبد المجيد، (١٤١٢)، ابن الرومي عصره وحياته ونفسيته وفنه من خلال شعره، بيروت، دارالكتب العلمية.
- شرف الدين، خليل، (١٩٩٦)، ابن الرومي، بيروت، دار المكتبة الهلال.
- شوقى، ضيف، (١٩٦٥)، الفن ومذاهبه في الشعر العربي، بيروت، مكتبة الاندلس.
- العقاد، محمود عباس، (١٩٥٠)، ابن الرومي حياته من شعره، قاهره، مطبعة حجازي.
- فرويد، سيجمند، (١٩٨٢)، الأنا و الهو، بإشراف: محمد عثمان نجاتي، بيروت، دارالشرق.
- محمد كبريت، سمير، (٢٠٠١)، ابن الرومي، بيروت، دارالمعرفة.

ب) فارسى

- اعظمى، حسن؛ عرب يوسف آبادى عبدالباسط (١٣٩٩ش). «تحليل اجتماعى-شناختى گفتمان نقايض جرير و اخطل بر اساس الكوى ون داىك». ادب عربى. دوره ١٢. شماره ٢. صص ١٠٩-١٣٢.
- ساعت چى، محمود، (١٣٧٩)، نظريه هاى مشاوره و روان درماني، تهران، نشر ويرايش.
- سياسى، على اكبر، (١٣٥٦)، روان شناسى شخصى، تهران، اميركبير.
- شارف، ريچارد آس، (١٣٨١)، نظريه هاى روان درماني و مشاوره، ترجمه: مهرداد فيروز بخت، تهران، آگاه.
- شالچيان، طاهره، (١٣٧٣)، آشنائى با اصول روان شناسى، تهران، بدر.
- شاملو، سعيد، (١٣٩٠)، مكتبها و نظريه ها در روان شناسى شخصى، تهران، رشد.
- شولتز، دوان، سيد نى الى شولتز، (١٣٨٤)، نظريه هاى شخصيت، ترجمه يحيى سيد محمدى، تهران، نشر ويرايش.
- فاخورى، حنا. (١٣٨٣)، تاريخ الأدب العربى، ترجمه: محمد آيتى، چاپ ششم، تهران، توس.
- فرويد، زيگموند، (١٣٩٢)، مكانيسم هاى دفاعى روان، مترجمان: حبيب گوهرى راد و محمد، تهران، رادمهر.
- فرويد، زيگموند، (١٣٨٣)، روانكاوى و زندگى من، ترجمه: عنايت، تهران، دنياى كتاب.

- فیست، جس، فیست، گریگوری، (۱۳۷۸)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات روان.
- کری، جرالد، (۱۳۸۵)، نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات ارسباران.
- کریمی، یوسف، (۱۳۸۵)، روان‌شناسی شخصیت، تهران، ویرایش.
- گرین، ویلفرد، و دیگران، (۱۳۷۶)، مبانی نقد ادبی، ترجمه: فرزانه طاهری، تهران، نیلوفر.

References

- Ibn al-Rumi (1415). *Dewan*. Researched by Ahmad Hasan Basaj. *First Edition*. Beirut: *Dar al-Kutub al-Ilmiyyah*.
- Ibn al-Rumi (1324). *Dewan*. Researched by Kilani. Cairo: Al-Kabri Trading Library.
- ibn Khallikan, M (1364). *Deaths of Eminent Men and History of the Sons of the Epoch*. Researched by Ehsan Abbas. Qom: Sharif Razi Publishing.
- Al- Hawi, Iliya S. (1968). *Ibn al-Rumi, his era, his life, his preciousness, and his art through his poetry*. Beirut: Dar al-Ketab, Lebanese.
- Al-Hurr, Abd al-Majid. (1412). *Ibn al-Roumi, his era, his life, his preciousness, and his art through his poetry*. Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyyah
- Sharaf al-Din, K. (1996). *Ibn al-Rumi*. Beirut: dar al- maktabe Al-Hilal
- Shawqi, Daif. (1965). *Art and Styles of Arabic Poetry*. Beirut: Al-Andalus Library.
- al-Aqqād, Abbās Maḥmūd. (1950). *Ibn al-Rumi's Life of Poetry*. Cairo: Hijazi Publishing.
- Freud, Sigmund. (1982). *The Ego and the Id*. translation: Mohammad Othman Nejati. Beirut: Dar al-Sharq
- Mohammad Kobrit, Samir. (2001). *Ibn al-Roumi*. Beirut: Daral al-Marefa.
- Azami, H; Arab. Y. (2019). "Socio-cognitive analysis of the discourse of Jarir's contradictions and distortion based on Van Dyke's model". *Arabic literature*. Course 12. Number 2. pp. 109-132.
- Saatchi, Mahmoud. (1379). *theories of counseling and psychotherapy*. Tehran: viraysh.
- Saisi, Ali Akbar. (1356). *Personal Psychology*. Tehran: Amir Kabir.
- Scharf, Richard A. (2008). *theories of psychotherapy and counseling*. translation: Mehrdad Firoz Bakht. Tehran: Aghaz.
- Shalchian, Tahereh. (1994). *An Introduction into the Principles of Psychology*. Tehran: Badr.
- Shamlou, Saeed. (1390). *schools and theories in personal psychology*. Tehran: Rushd.
- Shultz, D; Seyyed, S. (1384). *Theories of Personality*. translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Virash.

- Fakhouri, Hanna. (2007). History of Arabic language literature from the age of ignorance to the contemporary century. Translation: Abdul Mohammad Ayati. seventh edition. Tehran: Toos.
- Freud, Sigmund. (2012). Psychic Defense Mechanisms. translators: Habib Gohri Rad and Mohammad. Tehran: Radmehr.
- Freud, Sigmund, (1383), psychoanalysis and my life, translation: Enayat, Tehran: Duniyai Kitab.
- Feist, J and Gregory, J Feist. (1388). Theories of Personality. Translation: Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Ravan.
- Corey, J. (2009). Theory and application of counseling and psychotherapy. Translation: Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Arsbaran Publishing.
- Karimi, Youssef. (2006). Personality Psychology. Tehran: Virash..
- Green, Wilfred et al. (1997). Fundamentals of Literary Criticism. translation: Farzaneh Taheri. Tehran: Nilufar.

دراسة وتحليل هجاء ابن الرومي وفقاً على آليات الدفاع النفسي لفرويد

نوع المقالة: أصيلة

جواد عابدي^۱، حسن مجیدی^۲، محمد غفوری فر^۳ *

۱. ماجیستر في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة حكيم السبزواری، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، ایران، سبزوار.
۲. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة حكيم السبزواری، كلية الآداب والمعارف الإسلامية، ایران، سبزوار.
۳. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها، بجامعة كوثر بجنورد، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، ایران، بجنورد.

الملخص

يُعتبر النقد النفسي للنصوص الأدبية والأعمال الفنية من أبرز أساليب النقد للتعرف على شخصية المؤلف. يحاول هذا النوع من النقد الأدبي دراسة تأثير البيئة والمجتمع والتقاليد في تطور هذه التيارات من خلال شرح التدفق الداخلي والحالة الداخلية للشاعر. بصفته مؤسس التحليل النفسي، كان فرويد قادرًا على تقديم قراءة جديدة للنصوص الأدبية والأعمال الفنية من خلال التحليل النفسي للمؤلف من خلال عمله. وذكر أن النفس البشرية لديها أدوات لتخفيف التوتر والدفاع عن النفس، والتي تسمى آليات الدفاع النفسي. يكشف فحص هذه الآليات عن أسباب بعض السلوكيات والكلام التي تبدو طبيعية. قصائد الشعراء من الأنواع الأدبية التي ينعكس فيها انعكاس شخصية مبتكر العمل. ابن الرومي هو أحد الكتاب الساخرين البارزين في العصر العباسي الذي لم يعيش في سعادة أبدًا وشعر بالإذلال الجسدي والاجتماعي في نفسه. تحاول هذه الدراسة حسب المنهج الوصفي - التحليلي شرح شخصية ابن الرومي من خلال هجاءه في إطار نظرية فرويد لآليات الدفاع النفسي، ووصف الصراع الداخلي لشخصيته وتأثيره على حياته. تظهر نتيجة البحث أن ابن الرومي يخفف أو يخفف الضغط النفسي الناجم عن الفشل والصراع النفسي والعاطفي من آليات الدفاع النفسي مثل: الاستيعاب بالعدوان، والتشاؤم، والكراهية المكتوبة، والتهجير في وصف الطبيعة، والعودة، والخيال واستكشاف الآخرين والتفكير.

الكلمات الرئيسية: نقد علم النفس، فرويد، آليات الدفاع النفسي، هجاء ابن الرومي.

Investigating and analysis of Ibn Rumi's satires based on Freud's psychological defense mechanisms

Article type: Research

Javad Abedi¹, Hassan Majidi^{2*}, Mohmmad Ghafourifar³

1. MA Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University,
Faculty of Humanities, Iran, Sabzevar.

2. Associate Profesor, Department of Arabic Language and Literature,
Hakim Sabzevari University, Faculty of Humanities, Iran, Sabzevar.

3. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kosar
University of Bojnord, Faculty of Humanities, Iran, Bojnord.

Abstract

Psychological critique of literary texts and works of art is one of the most prominent methods of critique to identify the personality of the author. This type of literary criticism tries to study the influence of the environment, society and traditions on the development of these currents by explaining the inner flow and inner state of the poet. As the founder of psychoanalysis, Freud was able to provide a new reading of literary texts and works of art through the author's psychological analysis through his work. He stated that the human psyche has tools to relieve stress and self-defense, which are called psychological defense mechanisms. Examining such mechanisms reveals the reasons for some seemingly normal behaviors and speech. Poets' poems are one of the literary types in which the reflection of the personality of the creator of the work is reflected. Ibn Rumi is one of the prominent satirists of the Abbasid era that life did not show him happiness and in his being he felt physical and social humiliations, as a result of which his satires became the arena of his mental complexes. This study tries to explain Ibn Rumi's personality through her satires in the framework of Freud's theory of psychological defense mechanisms with a descriptive-analytical method, with a psychological critique approach. This study tries to explain Ibn Rumi's personality through his satires in the framework of Freud's theory of psychological defense mechanisms with a descriptive-analytical method, with a psychological critique approach and explain the inner conflict of his personality and show its effects on his life and the world outside. The result of the research shows that Ibn Rumi used psychological defense mechanisms such as identification with aggression, displacement in the description of Nature, return to adolescence, compensation, argument.

Keywords: Psychological Criticism, Freud, Psychological defense mechanisms, Ibn Rumi's satires.